

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت روز عید مبعث ۱۳۷۲ / ۲۰ ادی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این روزبزرگ را به همه امت اسلامی در اقطار عالم و به ملت شریف و عزیز ایران و به شما حضّار محترم و مسؤولین زحمتکش و پرتلایش و پرتوان کشور، تبریک عرض می کنم. اهمیت روز مبعث از لحاظ معنوی، حقیقتاً بیش از آن مقداری است که امثال بنده بتوانیم درباره آن، سخن روشنگری بیان کنیم. لکن از لحاظ تأثیر بعثت در زندگی انسانها در ادوار مختلف تاریخ، نکاتی هست که درباره آنها می شود حرف زد.

بعثت در روز اوّل، در یک خلاً به وجود آمد و بشریت واقعاً محتاج آن بعثت بزرگ بود. خدای متعال هم بر طبق حکمت بالغه اش، مکان این انگیزش عظیم وابن واقعه بزرگ را جایی قرار داد که مفاہیم واقعی بعثت، بدون آلوده شدن به مفاہیم رایج و دایر آن روز، هم در دنیای آن روز شناخته شود و هم در تاریخ صحیح بماند. این، خودش نکته ای است که ممکن بود - فرض بفرمایید - بعثت آخرين، در روم آن روز، در یونان آن روز و در کشورهای پیشرفته آن روز، اتفاق بیفتند.

در زمان بعثت، تمدن‌های بزرگی در دنیا بودند. ملت‌های وجود داشتند که از فلسفه و معارف بشری و آگاهی‌های مدنیتی بهره برده بودند. می شد بعثت آخر، در آن کشورها و در آن مناطق اتفاق بیفتند. اما خدای متعال، این بعثتی را که در طول تاریخ - و خدا می داند چند هزار سال - بنا بود برای بشر بماند، به آن جاهای نبرد. این بعثت را در جایی نبرد که از هنگام انعقاد این فکر و این دعوت، عنصر بیگانه ای بتواند در آن داخل شود. در همان منطقه مغرب زمین آن روز، مناطقی بودند که تمدن‌های بزرگی داشتند. برخورðشان با پیغمبران نشان می دهد که دارای مدنیت‌هایی بوده اند. از جمله، همان مردم شهر انتاكیه، که در سوره «یاسین»، خداوند داستان فرستادن سه پیغمبر را به آن جا، در عرض هم، نقل می کند. آخرش هم ناسپاسی آن مردم است. این، چیز کمی نیست. تاریخ هم برای ما چیزهایی را از آن ملت‌ها نقل کرده است. این پیغمبر را در آن جا قرار نداد.

در جزیره العرب، معارف بشری وجود نداشت. شرک بود و معارف شرک آلود، در حد نازل. لذا در قرآن هم ملاحظه می کنید که با شرک، یک مبارزه جدی شده است. سوره «اخلاص» که «لم يلد ولم يولد» را این همه درشت کرده است و در این سوره کوچک چهار آیه آی، «لم يلد ولم يولد» در قلب قرار گرفته و «ولم يكن له كفوأ أحد» برجسته و متلائی است؛ برای این است که شرک از ذهنها زدوده شود و با پیام خدا مخلوط نگردد. هر کار شرک آلودی در اسلام مردود شده است. ولی از این که بگذریم، اسلام خالص متولد شد؛ به اکناف عالم خالص منتقل شد؛ خالص منتشر شد. لذا هر جا رفت، بُرندگی و برجستگی خودش را در مقابله با تمدنها و فرهنگ‌های مختلف نشان داد؛ تا وقتی که بتدریج، دعوت کنندگان از آن خلوص افتادند و دعوت هم از آن خلوص افتاد. این بعثت، یک امر دائمی برای بشر است. و این، خصوصیت بعثت خاتم الانبیا صلی الله علیه وآلہ وسلم است. یعنی هر وقت که زمینه عالم وزندگی بشر از معنویت تهی شود، همین معارفی که قرآن کریم به آن ناطق است، می تواند در هر زمانی بیاید و آن خلا را پر کند. کیفیت معارف اسلامی آن چنان کیفیتی است که در همه شرایط، نیرویی در درون این مجموعه قانونی و مجموعه معارف وجود دارد که در همه شرایط می تواند خلاهای معنوی را پر کند و به بشریت امکان زیستن در فضای معنوی را بدهد.

امروز هم یکی از همان شرایط است. شرط این که یک دعوت بتواند در میان ملت‌ها و کشورها جای خودش را پیدا کند و مستمتعی بیابد، چیست؟ اوّل، منطقی و معقول بودن است. هر سخنی که اسلام را از منطق عقلانی که از آن برخوردار است جدا کند، به رشد و انتشار اسلام ضربه می زند. کسانی که درباره مسائل اسلامی سخن می گویند و اظهار نظر می کنند، به این نکته توجه کنند. اسلام عقلانی است. اسلام دینی است که عقل سالم و فطري، آن را می فهمد، درک می کند و می پسندد و می پذیرد. این، خصوصیت اسلام است. نه به معنای این که هر حکمی از احکام اسلام، یک برهان عقلانی باید در کنارش باشد. نماز صبح چرا دو رکعت است؟ یک برهان عقلی لازم دارد؟ نه. به این

معنا هم نیست که هر عقلی هر چه که فهمید و درک کرد، باید در اسلام بشود آن را پیدا کرد. این هم نیست. بلکه به این معناست که معارف اسلامی - آنچه که استناد آن به اسلام مورد قبول است و اهل خبره و اهل فن، قضاوت می کنند که این مربوط به اسلام است - در هر محیط عقلانی و علمی، قابل دفاع است. نماز را می شود برای مادی ترین انسانهای دنیا توجیه کرد، تفهیم کرد و گفت نماز چیست و چرا اسلام نماز را لازم دانسته است. یکی از متفکرین غربی در قرن نوزدهم که قرن بی دینی غرب است - شخص نامدار معروفی است که من نمی خواهم اسم بیاورم - می گوید: «در نماز راز عظیمی نهفته است.» آری؛ اگر در آن، راز عظیمی نهفته نبود، در آن محیط مادیگرا، یک انسان متفرکر، این طور نسبت به آن شعار نمی داد. انسانهای بالنصاف، انسانهای اهل علم، عقل، منطق و استدلال، تمام معارف اسلامی را می توانند درک کنند؛ می توانند بیسندند و بپذیرند. این، خاصیت اسلام است. پس، منطقی بودن و عقلانی بودن، از خصوصیات اسلام است. اگر کسانی سعی کنند که اسلام را از این خصوصیت جدا کنند یا در تبلیغات بگویند «اینها ضد علم و ضد عقل است»، یا این که در عمل، حرفهایی را به اسلام نسبت دهند که از اسلام نیست و قابل این که یک عقل سالم آن را تصدیق و تأیید کند نیست، اینها قطعاً به نشر اسلام ضربه می زند و هیچ کمکی نمی کنند. این، یکی از خصوصیات عناصر درونی است که اسلام را می تواند منتشر کند.

خصوصیت دیگر اسلام این است که معنوی و الهی است. یعنی به خلاف آنچه که نسبت به مسیحیت داده می شود که جنبه های آخرت در مسیحیت بر جنبه های دنیاگی غلبه دارد، اسلام این طور نیست. اسلام دنیا را هم جزو آخرت می داند. همین زندگی شما، همین تجارت شما، همین درس خواندن شما، همین کار اداری شما، همین کار سیاسی شما، جزو آخرت شماست. دنیا هم قطعه ای از آخرت است، یا این کارهایی است که شما با نیت خوب به جا می آورید. این حسنی ای است که در آخرت شما را به قربات الهی و مقامات معنوی می رساند. یا خدای نکرده با نیت بد، با نیت خودخواهی و خودپرستی این عمل را انجام می دهید، که آن وقت موجب انحطاط و تنزل و سقوط در درگات است.

اسلام این گونه است. تمام محیط زندگی ما، تمام تلاش‌های دنیاگی ما، بخشی از آخرت است. دنیا و آخرت، جدا نیست. بد، آن است که این تلاش مادی روزمره مربوط به زندگی این نشئه را، شما با نیت بد انجام دهید. آن دنیا مذمومی که گفته اند، این است. اما این نشئه، از آن نشئه جدا نیست. این عالم، از آن عالم جدا نیست. این عالم، مزرعه آن عالم است. مزرعه یعنی چه؟ مگر می شود محصول را از غیر مزرعه چید؟ این، نهایت وحدت و هماهنگی و یکی بودن را می رساند. با وجود این که در همه منطقه زندگی بشر در اسلام موقعیت دارد، در عین حال اسلام یک دین معنوی است. در محیط اسلام دلها باید به سمت خدا باشد. نیت‌ها باید برای خدا باشد. این از خصوصیت اسلام و از وسائل نشر اسلام است.

آنچه امروز در دنیا کمبود احساس می شود و خود مردم دنیا هم آن را احساس می کنند، کمبود معنویت و خلا معنوی - بخصوص در دنیاگی غرب - است. در مادیات مانده اند و از معنویات فاصله گرفته اند و غرق در شهوت شده اند. خاصیت شهوت این است که در بدو امر شهوت است؛ اما در استمرار و در ادامه، جهنم است! وقتی شهوت بر زندگی یک فرد یا ملتی حاکم شد، تبدیل به دوزخ می شود. این، خاصیت شهوت بشری است. ممکن نیست کسی را ببینید که مدت مديدة را در شهوت خوش بگذارند. چنین کسی را خدا نیافریده است. اگر بروید نگاه کنید؛ ببینید و تحقیق کنید، به این معنا خواهید رسید. این یک امر مسلم و واضح است. ادامه بقا در شهوت، برای انسان جهنم است. و این، همان جهتمی است که امروز گریبانگیر عده ای از مردم متنعم غرب شده است. آنهایی هم که متّنعم نیستند، در جهتمی از فقر و بیچارگی و فساد غرقند. البته اشخاصی مستثنی هستند. از هر طبقه ای، لابد اشخاصی مستثنایند. قطعاً هم آدمهای خوب در آن جا هستند. لکن نوعیت این است.

دنیای امروز، به این بعثت احتیاج دارد. در ایران اسلامی چنین نیست که ما هم حکومتی مثل بقیه حکومتها هستیم. چند صباحی خاندان فلان و چند صباحی خاندان بهمان هستند و حالا هم مسلمین و مؤمنین بر این کشور حکومت می کنند. قضیه ما این گونه نیست. قضیه ما قضیه یک پیام است. قضیه یک بعثت است. ما حرف نوی را

به مردم دنیا عرضه می کنیم. مسأله، این است. این حرف و پیام نو، اگر چه که اوّلین اثرش باید در داخل زندگی خود ما و کشور ما دیده شود، اما برای دنیا یک راه جدید ارائه می کند. این را کارگزاران جمهوری اسلامی، نباید فراموش کنند. این نظام، نظامی است که آمده است به بشریت، بعثت الهی را نشان دهد. نیامده است که از جوامع و دولتها و نظامهای گمراه، چیزی یاد بگیرد. ممکن است ما خیلی بد باشیم؛ خیلی ناقص باشیم؛ برای حمل این پیام خیلی کوچک باشیم؛ اما این پیام، پیام نجات بشر است. بر سر آن نمی شود چک و چانه زد. ماحق نداریم از این پیام به خاطر این که با سلیقه ما این طور در می آید چیزی کم کنیم. خیر! این پیام، پیامی برای بشریت است. و بشر به آن احتیاج دارد. ما دوست بشریت نیستیم. ما دشمن بشریت نیستیم. آنها به معنویت احتیاج دارند و معنویت این جاست. البته معنویت تحمیلی هم نیست. تحمیلی که بشود، دیگر آن اثر را نخواهد داشت. ما آن را عرضه می کنیم.

در اینجا دو نکته هست که باید به آن توجه شود. به یک نکته من و شما؛ یعنی آحادی که در این نظام مسؤولیتی داریم باید توجه کنیم. آن نکته این است که ما نه فقط به عنوان یک مدیر و یک حاکم، بلکه به عنوان عرضه کننده یک اندیشه نو در دنیا، باید خودمان را بشناسیم و این طور باید عمل کنیم؛ این طور باید مشی کنیم؛ این طور باید رفتار خودمان را با اسلام تطبیق دهیم؛ و خلوص و استقلال این اندیشه و فکر را نگهداریم.

یک نکته هم با مردم دنیاست. وسایل ارتباط جمعی استکبار تلاش می کنند که جمهوری اسلامی را متعرض، مت加وز و در صدد قلع و قمع همه نظامهای دنیا معرفی کنند. اما این گونه نیست. هر کس در دنیا، هر طور می خواهد، زندگی می کند. ما فقط آنچه را که بشر به آن نیازمند است عرضه می کنیم. امیرالمؤمنین علیه الصّلاة والسّلام فرمود: «طبیب دوار بطبه قد احکم مراحمه واحما مواسمه». در کوله پشتی ما دوای درمان دردهای امروز بشریت است. هر که نمی خواهد از این کوله پشتی نگیرد و نبرد. ما که با کسی دعوا نداریم. اگر بشر از بحران هویت رنج می برد، از بحران معنویت رنج می برد، از بی احترامی نسبت به سنتهای بشری رنج می برد؛ پدر به پسر رحم نمی کند، پسر به پدر احترام نمی کند، پاس سنتهای گذشته را نمی دارند، ارزشی برای ارزشهای غیر شخصی قائل نیستند، این یک بحران است. امروز ملتهای غرب به این بحران دچارند؛ و علاجش در اسلام است. اگر امروز ثروت ثروتمندان در دنیا روزبه روز افزایش می یابد و اشخاص و کمپانیها و شرکتهایی، ثروتهایی افسانه ای میلیارדי تحصیل می کنند، و در مقابل، انسانهایی در کنار همان ثروتها، شب در کارتون، روی آسفالت خیابان می خوابند؛ اینها از مشکلات غرب است. اگر با وجود هزاران توصیه راجع به ازدواج و تبلیغات خانواده و نظایر آن، روزبه روز بنیان خانواده در کشورهای غربی سُست تر می شود؛ اگر دخترها و پسرها ناراحتند؛ اگر همانهایی که خودشان شریک این جرمند ناراحتند؛ اگر بنیان خانواده متزلزل است و بچه ها ناراحتند؛ اگر بحران روانی همه را فرا گرفته است، اینها به خاطر چیست؟ این همه خودکشی برای چیست؟ در طول همین چند ماه گذشته، یا شاید حدود یک سال گذشته، چند صد نفر در کشور ایالات متحده - که به خیال خودشان در اوج قله علم و ثروتند؛ و خیال می کنند ارزش اینهاست - به وسیله اشخاص دیگر کشته شده اند. حالا با هلیکوپتر در بیابانها بگردند برای تظاهر به محبت و رافت و رحمت نسبت به گریه یا سگ گمشده ای! مگر کورند؟! مگر نمی بینند که در شهرها و ایالات امریکا چه خبر است؟! یک نفر وارد کوپه یک قطار می شود و با مسلسل، چند نفر را می کشد. از این کوپه می آید و باز در کوپه بعدی، چند نفر دیگر را می کشد. و همین طور... اگر بشریت از این دردهای لاعلاج رنج می برد، ما می گوییم: علاجش این جاست؛ علاجش اسلام است. این است تجدید بعثت در دنیای امروز. و امروز شما پیشکراولید. ملت ایران پیشکراول است. باید عمل کند و با اعتماد و اتکا به نفس هم باید این عمل را بکند؛ چون دنیا محتاج ماست.

حالا تبلیغات می کنند که «ایران با همه مسأله دارد؛ ایران با همه مشکل دارد!» نه آقا! ایران فقط با دستگاههای سازمان امنیت دولتهای مستکبر دنیا که از کریه ترین جاهای آن کشورهایت، مسأله دارد. با همانهایی که همین تبلیغات رسانه ای را درست می کنند. شما خیال می کنید تبلیغات این رادیوهای بیگانه را چه کسی تنظیم می کند؟ مثلاً تبلیغات همین بی بی سی انگلیسی را چه کسی درست می کند؟ سازمان امنیت انگلیس! می نشینند برنامه ریزی می کنند و چیزی را درست می کنند... ما یک کشور و ملتی هستیم که یک پیام داریم. جمعیتی هستیم که قدرت و

سابقه و افتخاراتی داریم. افتخاراتی در گذشته و افتخاراتی در امروز. شخصیتی مثل امام در میان ما بوده است که در دنیا چنین شخصیتی را نه امروز و نه در زمانهای تزدیک به ما - تا آن جا که ما می شناسیم - سراغ نداریم. جوانانی را داریم با آن عظمت؛ که خودشان را نشان دادند. مادرهایی داریم، پدرهایی داریم، خانواده‌هایی داریم، دانشمندانی داریم. به چیزی و کسی هم احتیاج نداریم. البته از کسی هم نمی ترسیم؛ از هیچ کس! ما می خواهیم چه بکنیم که برویم سراغ فلان کشور؛ فلان جا را فتح کنیم؛ فلان جا را خراب کنیم؛ فلان جا به هم بزنیم؛ فلان جا را منفجر کنیم. این کار، کار دستگاههای ضد بشری همان حکومتها بایی است که دچار آن طور مشکلات هستند. این کارها کار ما نیست.

ما پیاممان پیام اسلام است. یکی از همان چیزهایی که عرض کردم از عوامل انتشار اسلام است، رفق است. «ما کان رفق فی شيء إلا ذانه». رفق یعنی همواری. رفق به معنای سستی نیست. رفق به معنای خاکریز نرم قابل نفوذ نیست. رفق یعنی ناهنجار نبودن، ناهموار نبودن، جگرخراش نبودن. این معنی رفق است. شما به یک عنصر بسیار سخت، مثل فولاد که می زنید، دستتان احساس ناراحتی نمی کند؛ احساس ناهنجاری و ناهمواری نمی کند. رفق - نرمی به این معناست. هنجار درست. این، معنای رفق است. گاهی هم ممکن است به یک چیز که دست می زنید، دست را بخراشد و زخم کند؛ درحالی که جنسش مثل فولاد نیست. از یک تکه چوب است. چوب را ممکن است ناهموار بتراشند. بعضی، حرف ناحق را، حرف سست را، سخن کم محتوا را، طوری می گویند که همه را می خراشد. ممکن هم هست یک فکر با محتوا، یک فکر قوی را طوری بیان کرد که با همه استحکام، هیچ ناهنجاری نداشته باشد. اسلام، این است. قرآن، این است.

درس بعثت برای ما باید این باشد، برادران و خواهران عزیز من! درس قرآن باید این باشد که ما پیام آور یک سخن نو هستیم و خودمان باید احترام آن سخن نو را حفظ کنیم. تا آن جا که برای بشر ممکن است، اولین عمل کنندگان باشیم. ثانیا؛ آنچه که ما درست داریم، مورد نیاز انسانهایی است که از خیرات واقعی زندگی دور مانده اند. این چیزهایی را که داریم، بی خود با حرفاًی این و آن، با سوغاتیهای دروغین همان متفکرینی که آن دنیای جهتمی را برای مردم خودشان با آن حرفاًها به بار آورده اند، مخلوط نکنیم.

سوم این که، در مقابل حرفاًی قلمبه سلمبه دیگران، احساس ضعف نکنیم. منطق این جاست. حرف درست این جاست. اگر شما یک وقت می بینید چیزی برایتان جا نیفتاده، باید بدانید که درستش دستستان نیست. باید بروید سراغ اهلش، تا درستش را به شما بدهند؛ منطقی اش را، مستحکمش را، قوی اش را. و این، همان مشعلی است که پیغمبر اکرم برافروخت. آن روز دنیاًی را روشن کرد؛ آن روز تمدّهایی را - نه یک تمدن را - پایه ریزی کرد و امروز هم می تواند. آن روز هم دنیاًی چیزهای تازه ای داشت: علم داشت؛ پیشرفت داشت؛ انطاکیه را داشت؛ روم را داشت؛ یونان را داشت؛ ایران را داشت؛ هگمتانه را داشت؛ پرسپولیس را داشت. آن روز هم دنیاًی آن چنان تهی تهی نبود. اما وقتی این مشعل روشن شد؛ وقتی این خورشید فروزان شد، همه شمعها فروغ خودشان را از دست دادند و این بر همه غالب شد. «لیظه ره علی الدین کله» آمد تا معنویت را به طور طبیعی غلبه دهد. وقتی خورشید طلوع می کند، اگر شما وسط نور خورشید هزار شمع هم بگذارید، اصلاً نوری ندارد. بعثت، این طور ظهور و غلبه ای است. این همان شمع است. این، همان چراغ است. این، همان مشعل است. این، همان خورشید است. قدرش را باید بدانیم. بعثت را باید در خودمان و در زندگی مان زنده کنیم.

باید از خدای متعال هم کمک بخواهیم و خدا هم کمک خواهد کرد.

پروردگار! مارا مشمول دعوات ولی عصر ارواحنافه اه قرار بده. مارا مشمول هدایت و رحمت خودت قرار بده. قلب و جسم و عمل و زبان و فکر ما را نورانی کن. خود ما و ذریّه ما را با اسلام زنده بدار و با اسلام بمیران. امام بزرگوار ما را با اولیای خودت محشور فرما و این عبد را برهمه مؤمنین و مؤمنات - در سرتاسر عالم - مبارک گردان! والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته.